



دهه سوخته صنعت

داده‌ها به قیمت ثابت ۱۳۹۵ بانک مرکزی، تقریباً استهلاک سرمایه با رقم سرمایه‌گذاری جدید برابر شده است؛ این امر بدان معناست که با فرض رشد سالانه ۵ درصدی سرمایه‌گذاری از سال ۱۴۰۱ به بعد، در سال ۱۴۱۵ یعنی بعد از گذشت ۱۴ سال سرمایه‌گذاری واقعی کشور به رقم سال ۱۳۹۰ خواهد رسید و با فرض رشد سالانه ۱۰ درصدی، این اتفاق در سال ۱۴۰۸ رخ خواهد داد.

بررسی ۲۴ فعالیت صنعتی ذیل حوزه ساخت نشان می‌دهد که ترکیب ارزش افزوده فعالیت‌های ۲۴گانه کل کارخانه‌های صنعتی بزرگی که ۱۰۰ نفر پرسنل و بیشتر دارند، تمرکز بر روی برخی فعالیت‌های صنعتی بیشتر بوده و به نوعی نامتوازن است. در این راستا، شش گروه فعالیت صنعتی شامل صنایع تولید محصولات شیمیایی، فلزات اساسی، وسایل نقلیه موتوری، مواد غذایی، محصولات کانی و غیرفلزی و دارویی در مجموع بیش از ۸۰ درصد از ارزش افزوده صنعت ساخت را تشکیل می‌دهند و سهم ۱۸ گروه فعالیت دیگر از ارزش افزوده کل صنعت ساخت، ۲۰ درصد است. در این رابطه در حالی سهم بخش صنعت در رشد اقتصادی سال گذشته صفر برآورد شده که مطابق آمارهای ارائه شده از سوی بانک مرکزی و اتاق تهران، در سال ۱۴۰۰ رشد تولید در کارگاه‌های بزرگ صنعتی ۳/۱ درصد برآورد شده و در میان ۲۴ رشته فعالیت صنعت ساخت، تعداد ۲۰ فعالیت مشارکت مثبت و ۴ فعالیت نیز مشارکت منفی در رشد تولید داشته‌اند. بالاترین رشد سالانه تولید در دهه ۱۳۸۰ و بالاترین رشد سالانه شاخص اشتغال در دو دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ صورت گرفته است. همچنین طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۹ متوسط رشد شاخص اشتغال این بنگاه‌ها نیز حدود ۰/۶ درصد و متوسط رشد سالانه شاخص تولید حدود ۱/۳ درصد بوده است. امری که به موازات آمارهای رشد تولید در دهه ۱۳۹۰، نشان‌دهنده عدم رشد معنادار در جذب نیروی انسانی فنی و ماهر در بخش صنعت کشور است.

درصد بوده است؛ یعنی روند رشد تولید در طول سه دهه به صورت منطقی افزایش داشته اما در طول ۱۰ سال اخیر به ناگهان از ۱۴/۸ درصد به ۲/۱ درصد رشد افول کرده است؛ تغییر معناداری که به گفته کارشناسان به موازات سلسله موانع و مشکلات ایجادشده، دهه ۱۳۹۰ را به دهه سوخته صنعت و اقتصاد تبدیل کرده است. در این رابطه اگر این گزاره را صحیح بدانیم که صنعت موتور محرک رشد اقتصادی محسوب می‌شود، با توجه به اینکه سهم بخش صنعت در رشد اقتصادی و توسعه ایران ۱۸/۶۳ درصد برآورد شده، بررسی‌ها نشان می‌دهد متوسط رشد صنعت در دولت هاشمی‌رفسنجانی ۷/۱ درصد، در دولت خاتمی ۶/۷ درصد، در دولت محمود احمدی‌نژاد یک درصد و در دولت حسن روحانی ۰/۷ درصد بوده است. این امر نشان می‌دهد که متوسط نرخ رشد صنعت در بازه زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۹ تنها معادل ۳/۹ درصد بوده که به مراتب کمتر از اهداف مورد نظر در تمامی برنامه‌های توسعه کشور است. این رشد در برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه به ترتیب ۴/۴، منفی ۱/۳ و منفی ۳/۶ درصد بوده است. این موضوع زمانی تامل‌برانگیزتر می‌شود که بدانیم در طول ۳ سال گذشته نرخ سرمایه‌گذاری خارجی تقریباً صفر و سهم انباشت سرمایه صنعت و معدن در برنامه‌های توسعه پنجم و ششم کمتر از ۱۰ درصد بوده است. امری که نشان می‌دهد صنعت کشور در سرمایه‌گذاری جذابیت نسبتاً پایینی، تاب‌آوری محدود و انحراف در تخصیص منابع داشته است. علاوه بر این در حالی مطابق گفته معاون وزیر صمت برای رشد صنعتی سالانه نیاز به ۲۰۰ هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری وجود دارد که گزارش اتاق تهران نشان می‌دهد طی بازه زمانی منتهی به سال ۱۴۰۰، روند عمومی سرمایه ثابت ناخالص به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۵ نزولی بوده و میانگین نرخ رشد سالانه سرمایه‌گذاری طی این بازه زمانی منفی ۶/۹ درصد است. همچنین در این سال برای سومین سال متوالی و بر اساس

متوسط نرخ رشد صنعت در دهه ۱۳۸۰ هفت برابر بیشتر از دهه ۱۳۹۰ بوده است

در دهه ۱۳۹۰ طی چهار سال یعنی بازه زمانی ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ رشد سالانه تولید صنعتی کشور منفی و میانگین رشد سالانه شاخص تولید صنعتی طی این دوره تنها ۲/۱ درصد بوده است. این یعنی در دهه ۱۳۹۰ رشد تولید صنعتی در کشور بیش از ۷ برابر نسبت به دهه ۱۳۸۰ کاهش یافته است؛ به طوری که مطابق آمارهای ارائه‌شده در دهه ۱۳۸۰ میانگین رشد سالانه شاخص تولید صنعتی ۱۴/۸ درصد بوده که در مقایسه با ۲/۱ درصد دهه اخیر، بیانگر افت بخش تولید و شرایط رکود است. حتی مقایسه آمارهای ارائه‌شده از ۱۳۵۷ تا ۱۴۰۰ نشان می‌دهد که در دهه ۱۳۹۰، کمترین رقم طی ۴ دهه برای رشد تولید در کشور رقم خورده است. همین امر خود گویای وضعیت تولیدکنندگان و صنعتگران ایرانی در طول ۱۰ سال گذشته است؛ بازه زمانی که علیرغم وجود برنامه ششم توسعه، افق ۱۴۰۴ و سایر سیاستگذاری‌ها و منابعی که مصرف شده در طول ۱۰ سال تنها ۲/۱ درصد رشد، آن هم به صورت میانگین را تجربه کرده است. البته این آمار و شاخص‌های ارائه شده مربوط به بنگاه‌های صنعتی بزرگ دارای بیش از ۱۰۰ پرسنل است؛ بنگاه‌هایی که هر چند متاثر از شرایط اقتصادی و نرخ تورم بوده‌اند، اما قدرت و توان مالی و نیز امکانات صنعتی آنها قابل مقایسه با بنگاه‌های کوچک و متوسط نیست. به همین دلیل اگر قرار باشد بنگاه‌ها و واحدهای تولیدی کوچک و متوسط را مورد مقایسه و بررسی قرار دهیم، احتمالاً نتایج و داده‌ها بیش از این ناامیدکننده باشند.

در این میان هر چند که بررسی جدول شاخص‌ها، نشان می‌دهد که تولید صنعتی کارگاه‌های بزرگ از سال ۱۳۵۷ تا ۱۴۰۰ روندی افزایشی داشته است، اما نکته مهم اینجاست که میانگین رشد سالانه تولید در دهه ۱۳۶۰ برابر با ۶/۴ درصد، در دهه ۱۳۷۰ برابر با ۱۰ درصد، در دهه ۱۳۸۰ برابر با ۱۴/۸ درصد و در دهه ۱۳۹۰ برابر با ۲/۱